یادداشت میهمان

کید دشمن و نفوذی‌ها؟!

۱- قبل از ورود به موضوع اصلی، با توجه به اینکه عربستان بعداز فتنه‌گری در لبنان، با فتنه‌انگیزی‌ای که به واسطه خیانت علی عبدالله صالح به مردم یمن کرد، این سؤال مطرح است کسانی که در داخل ایران معتقدند باید «عربستان را درک کرد!»» و از طریق گفت‌وگو با فردی مثل بن سلمان باید مسائل منطقه را حل کرد، چه پاسخی برای دفاع از این تفکر اشتباه خود دارند و پاسخ دهند چگونه با این تفکر می‌توان از کید دشمنان غافل نبود؟

۲- و اما رهبرمعظم انقلاب در پاسخ به نامه سردار اسلام حاج قاسم سلیمانی با بیان اینکه «آمریکا و رژیم‌های وابسته به آن به‌دنبال گسترش «سلطه نحس» خود در منطقه غرب آسیا هستند» تاکید کردند بعداز شکست داعش«از کید دشمن غفلت نشود!» چون به شکلی دیگر فتنه انگیزی می‌کنند. هنوز جوهر نامه رهبر معظم انقلاب خشک نشده، مصادیق این سخن حکیمانه ایشان هر روز به شکلی در گوشه‌ای از منطقه درحال آشکار شدن است.

۳- فتنه و خیانت علی عبدالله صالح به مردم یمن از مهم‌ترین و تازه‌ترین کیدهای دشمن به شمار می‌رود که توسط آمریکا و رژیم صهیونیستی طراحی و به اجرا گذاشته شد. ریاض و امارات بعداز اینکه از طریق نظامی نتوانستند مقاومت ملت یمن را بشکنند و در میدان نظامی شکست خوردند، سعی داشتند با ایجاد تفرقه و فتنه داخلی بین نیروهای مدافع یمن از طریق تهدید و تطمیعِ علی عبدالله صالح، شکست خود را تحت‌الشعاع قرار دهند. نگرانی اصلی و فوریِ عربستان بعد از شکست داعش این بود و هست که محور مقاومت تمام تمرکز خود را روی حمایت از مردم مظلوم یمن و بحرین قرار دهد و ریاض مجبور شود با پذیرش شکست جنگ یمن را پایان دهد. لذا بن سلمان سه هدف اصلی را از راه انداختن فتنه عبدالله صالح دنبال می‌کرد. اول جنگ داخلی و ایجاد تفرقه و انحراف افکارعمومی و انصراف مردم یمن از مقابله با متجاوزان. دوم فراهم کردن زمینه خروج خود از باتلاق جنگ با یمن با جست‌وجوی راه‌حلی سیاسی،و سوم تاثیرگذاری بر آینده سرنوشت مردم یمن از طریق به قدرت رساندن دوباره خانواده علی عبدالله صالح. اما سعودیها در هر سه هدف شکست خوردند و نمی‌دانستند این راه بسیار دشوار و پرخطری برای آنهاست چرا که آمادگی و قدرت نیروهای انقلابی یمن، به عربستان و علی عبدالله صالح این اجازه را نداد که کار را یکسره کنند.

۴- آنچه از پشت پرده خیانت علی عبدالله صالح آشکار شده،ریاض همان کاری را که با حریری کرده بود، با علی عبدالله صالح کرد. بن سلمان از یک طرف با گروگانگیری احمد علی پسر صالح در امارات و از طرف دیگر با وعده حمایت از پسر علی عبدالله صالح برای نشاندن وی بر صندلی قدرت، علی عبدالله صالح را مجبور به خیانت علیه ملت یمن کرد. اما علیرغم بمباران یازده پست بازرسی یمنی‌ها توسط جنگنده‌های سعودی و پرواز پهپادهای آمریکایی بر فراز کاروان علی عبدالله صالح برای هموار کردن فرار وی، سرنوشتش بسیار غم‌انگیزتر از آن چیزی که تصور می‌کرد، رقم خورد. هرچند نیروهای یمنی به وی فرصت داده بودند تا دست از فتنه‌انگیزی بردارد اما وی با اعلام اینکه به «ساعت صفر درگیریها»! نزدیک شده، در حقیقت به «ساعت صفر عمرش» نزدیک شد!.

۵- در طرح عربستان علی عبدالله صالح بعداز نفوذ در صفوف ملت یمن، قصد داشت خود را به‌عنوان ناجی ملت یمن القاء کند که می‌خواهد سایه جنگ را از سر ملت یمن بردارد، چنان که صریحا از «گشایش فصلی جدید در روابط با عربستان» سخن گفته بود. بر این اساس علی عبدالله صالح قرار بود بعداز موفقیت در خیانت خود، از عربستان بخواهد تا حملات علیه یمن را متوقف و محاصره این کشور را لغو کند و عربستان نیز با پاسخ مثبت به این درخواست، گفت‌وگو با علی عبدالله صالح برای پایان جنگ را آغاز و به این وسیله خود را از باتلاق جنگ یمن خارج کند.

۶- خیانت علی عبدالله صالح از قبل هم پیش‌بینی می‌شد چراکه براساس اشراف کامل سرویس‌های اطلاعاتی انصارالله، وی بعنوان یک مهره نفوذی محسوب می‌شد و به همین دلیل با تحلیل درست و آمادگی نیروهای یمنی نتوانست موجب تضعیف جبهه مقاومت در این کشور شود. جمع شدن فتنه با کشته شدن علی عبدالله صالح در عرض سه روز خود نشان از این آمادگی داشت. توانایی و آمادگی انصارالله برای مهار این خیانت آنچنان آشکار بود که حزب کنگره ملی وابسته به علی عبدالله صالح بلافاصله در حمایت از جبهه مقاومت یمن در بیانیه‌ای از این فتنه اعلام برائت و با بیان اینکه «ما و انصارالله هدف و هویتی واحد و دشمنی واحد داریم و آن دشمن عربستان و متحدانش هستند» تاکید کرد «کشور یمن، دولت و شورای عالی سیاسی دارد که دستورات آنها لازم‌الاجرا است»

۷- در عدم مقبولیت مردمی علی عبدالله صالح نیز این نکته بسیار حائز اهمیت است که وی در سال ۲۰۱۲پس از ۳۳ سال حکومت در پی انتفاضه و اعتراضات مردمی علیه حکومتش از ریاست جمهوری برکنار شد و به عربستان فرار کرد اما با نقشه عربستان به یمن برگشت و بعنوان نفوذی خود را همراه جبهه مقاومت یمن نشان داد.

۸- خنثی شدن این فتنه نشان داد ملت یمن اگر سنگ هم بر شکم خود ببندد، هرگز تسلیم دشمنانش نخواهد شد و راه مقاومتی که در پیش گرفته تا آخر ادامه خواهد داد. لذا باید از تحولات جدید در یمن درس عبرت گرفت و دانست عامل اصلی حفظ امنیت و ثبات، اتحاد و مقاومت در برابر دشمنان است نه مراودات و زد و بندهای سیاسی پشت پرده نفوذی‌ها با آنها.

۹- حکایت بن سلمان حکایتِ جوان خام و بی‌تجربه‌ای‌است که سالها از درک شرایط و فضای حاکم بر جهان عقب است و سودای «هیتلر شدن منطقه» را در سر می‌پروراند، آنگونه که شاه جوان پهلوی ابتدا توسط آمریکا خام توهم «ژاندارم شدن منطقه» شد، اما در این توهم سرانجام با به‌راه افتادن سیلِ خروشان ملت ایران از کشور فرار کرد و در تنهایی خود مرد! و یا آنگونه که صدام توهم «رهبری پان عربیسم» را با حمایت آمریکایی‌ها داشت اما نتیجه حمله‌اش به ایران و سرنوشتش بسیار عبرت آموز شد. سرنوشت علی عبدالله صالح هم که اکنون پیش چشم اوست! لذا حکایت واقعی بن سلمان را رابرت فیسک در روزنامه انگلیسی ایندیپندنت به‌خوبی ترسیم کرده که «تمام تلاش‌های بن سلمان به رفتار یک کودک نحسی می‌ماند که برای ترساندن همسایه قدرتمندش یعنی ایران، اسباب بازیهایش را به این سو و آن سو پرت می‌کند»! توماس فریدمن هم در مقدمه مصاحبه مفصل بن سلمان که به لفاظی‌های بچگانه و فرافکنی‌های ابلهانه علیه جمهوری اسلامی پرداخته بود، در نیویورک تایمز وی را اینگونه توصیف می‌کند «آنچه را که بن سلمان انجام می‌دهد، فقط یک احمق احتمال موفقیت آن را می‌دهد، درحالی که یک احمق هم از آن حمایت نخواهد کرد»!

۱۰- شکست‌های سیاست‌های سعودی‌ها در منطقه که البته دیکته شده جبهه استکبار است،روی دُور تُندی افتاده، به‌طوری که هنوز هاضمه آنها شکست قبلی را هضم نکرده، با شکست دیگری مواجه می‌شوند. به همین دلیل یک نوع انسداد هاضمه فکری پیدا کرده‌اند و توان درک و محاسبه نتایج سیاست‌های خود را ندارند.

۱۱- اما آنچه که پیش‌بینی می‌شود سعودیها همچنان دست از فتنه‌گری در منطقه برنخواهند داشت و به فکر فتنه‌های جدیدی هستند.اما بن سلمان برای رهایی از برزخ ایجاد کرده در منطقه یا باید دست از اقدامات بچگانه و فرافکنانه خود بردارد و سیاست معقولی مبتنی بر حفظ امنیت و ثبات منطقه در پیش گیرد و یا اینکه همچنان مجری سیاست‌های مخرب و جنگ طلبانه آمریکا و رژیم صهیونیستی باشد که در این صورت سرانجامی بهتر از هیتلر و صدام و شاه پهلوی و علی عبدالله صالح نخواهد داشت و البته با قدرت روزافزون محور مقاومت و همچنین آگاهی روزافزون مردم که اکنون درحال کوتاه کردن دست حامیان دیکتاتورهای منطقه هستند، سرنوشت آنها خیلی زودتر به سراغ بن سلمان خواهد آمد.

دکتر محمد حسین محترم

با رأی مثبت دیوان عالی آمریکا به فرمان ترامپ

ممنوعیت سفر اتباع ایران و ۵ کشور مسلمان به آمریکا رسماً آغاز شد

سرویس سیاسی-

دولت ترامپ در ادامه سیاست‌های خصمانه اوباما در برابر کشورمان در بیانیه‌ای اعلام کرد اجرای کامل فرمان ضد مهاجرتی رئیس‌جمهور این کشور برای منع سفر اتباع ایران و ۵ کشور دیگر به آمریکا را آغاز کرده است.

وزارت خارجه آمریکا در بیانیه‌ای اعلام کرد اجرای فرمان «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور این کشور در منع سفر اتباع ایران و پنج کشور دیگر به آمریکا را آغاز کرده است.

بیانیه وزارت خارجه آمریکا چند روز بعد از اعلانیه عالی‌ترین مرجع قضایی آمریکا درباره این فرمان صادر شده است. دیوان عالی آمریکا روز سه‌شنبه اعلام کرد دولت ترامپ می‌تواند فرمان مهاجرتی تازه‌اش علیه شش کشور عمدتا مسلمان از جمله ایران را تا زمان رسیدگی به شکایت‌ها به طور کامل به اجرا بگذارد.

طبق بیانیه منتشر شده در وب‌سایت وزارت خارجه آمریکا، سفارتخانه‌ها و کنسولگری‌های ایالات متحده در سراسر جهان از صبح جمعه اجرای این فرمان را آغاز کرده‌اند.

شروع ماجرا از دوره اوباما

آذر ماه ۱۳۹۴ بود که رسانه‌ها خبر دادند؛ باراک اوباما، رئیس‌جمهور آمریکا با امضای لایحه بودجه سال آینده این کشور، محدودیت‌های تازه برای ورود به این کشور را هم به عنوان بخشی از قانون بودجه تایید کرده است. این محدودیت‌ها که ده روز پیش از آن تاریخ در مجلس نمایندگان آمریکا تصویب شده بود شامل بعضی شهروندان ۳۸ کشوری می‌شود که در حال حاضر بدون ویزا به آمریکا سفر می‌کنند.

بر اساس فصل ۲۰۳ از متن بودجه‌ای که در آن زمان تهیه شد اگر شهروندان این ۳۸ کشور در پنج سال گذشته به سوریه، عراق یا ایران سفر کرده باشند، نمی‌توانند مانند گذشته بدون ویزا وارد آمریکا شوند. به علاوه کسانی که تابعیت دوگانه این کشورها را هم دارند، از جمله ایرانی‌هایی که شهروند کشورهای معاف از ویزا مانند بریتانیا، استرالیا یا فرانسه هستند، باید با اجرای قانون تازه برای سفر به آمریکا درخواست ویزا کنند.

تصویب اولیه این طرح در مجلس نمایندگان آمریکا با موجی از انتقادها روبرو شد و آن را «مجازاتی بدون دلیل» می‌دانستند. بسیاری از کاربران فضای مجازی وضع این قانون را آن هم پس از مذاکرات و توافقات برجامی رویکرد همیشه خصمانه آمریکا علیه ایران دانستند.

ترامپ و ادامه راه اوباما

پس از آن در تیرماه سال جاری رسانه‌های آمریکایی گزارش دادند که قرار است دولت آمریکا اجرای فرمان «دونالد ترامپ» برای منع صدور روادید به شهروندان ایران و ۵ کشور عمدتا مسلمان دیگر را آغاز کند.

«ترامپ» روز ۲۸ ژانویه ۲۰۱۸، حدود یک ماه پس از ورود به کاخ سفید یک دستور اجرایی امضا کرد که ورود اتباع هفت کشور مسلمان (ایران، سودان، سومالی، سوریه، یمن، لیبی و عراق) به خاک آمریکا را ممنوع می‌کرد.

پس از آن در ماه سپتامبر دولت ترامپ با صدور یک فرمان اجرایی ورود شهروندان ایران، لیبی، سومالی، سوریه، یمن و چاد به خاک آمریکا را ممنوع کرد. این فرمان، در اقدامی با هدف متقاعد کردن دیوان عالی آمریکا در این باره که دستور ترامپ با اهداف ضداسلامی طراحی نشده است، ورود اتباع کره شمالی و برخی مقام‌های ونزوئلایی به خاک آمریکا را هم ممنوع می‌کرد.

یک قاضی فدرال مدتی بعد از صدور این فرمان که سومین دستور اجرایی ترامپ در این زمینه محسوب می‌شد، اجرای آن را متوقف کرد. وزارت دادگستری آمریکا علیه این حکم درخواست تجدیدنظر داد. اعتراض‌ها باعث شد که دادگاه فدرال ایالت واشنگتن، و پس از آن دادگاه تجدید نظر شعبه نهم ایالات متحده آمریکا اجرای آن را متوقف کنند و همین باعث شد تا دولت ترامپ مجبور شود برای گرفتن تأیید اجرای آن پرونده را به دیوان عالی آمریکا ارجاع دهد.

به میدان آمدن پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌ها

این اقدام خصمانه آمریکا موجی از اعتراض‌ها را از شهروندان عادی تا مقام‌های سیاسی در پی داشت. محمدجواد ظریف، وزیر خارجه ایران در واکنش به این اقدام آمریکا در حساب توئیتری خود نوشت: «ایالات متحده مادربزرگ‌های ایرانی را از دیدن نوه‌هایشان محروم می‌کند، این کار واقعا نمایش شرم‌آور دشمنی کور با تمام ایرانی‌هاست.»

در آمریکا نیز «درک واتسن» قاضی فدرال دادگاه منطقه «هانولولو» ایالت هاوایی با به چالش کشیدن فرمان ضد مهاجرتی ترامپ، ممنوعیت سفر پدربزرگ‌ها و مادربزرگ‌هایی را که نوه‌هایشان ساکن ایالات متحده هستند با این استدلال که آنها نیز اقوام درجه یک محسوب می‌شوند، لغو کرد.

در حالی‌که اصل موضوع یعنی طرح قانونی خصمانه مورد اعتراض بود کار در آمریکا به چگونگی و حدود اجرای آن کشیده شد. به گفته واتسن، عقل سلیم حکم می‌کند که پدربزرگ و مادربزرگ‌ها شامل تعریف اعضای نزدیک خانواده شوند. وزارت دادگستری آمریکا به نیابت از سوی ترامپ از دیوان عالی خواست تا از اجرای حکم واتسن قاضی فدرال ایالت هاوایی جلوگیری کند.

اعتراض‌ها و شکایت‌ها

مهرماه سال جاری بود که آسوشیتدپرس خبر داد دو نهاد و سازمان مستقر در آمریکا، علیه این فرمان ترامپ به دادگاه شکایت کرده و شکایتشان را ثبت کرده‌اند. ائتلافی شامل مدافعان حقوقی مسلمان و آمریکایی-ایرانی به همراه یک نهاد حقوقی غیر حزبی، علیه فرمان جدید مهاجرتی دولت ترامپ شکایت کردند.

یکی از شکایت‌ها به نمایندگی از طرف «ائتلاف ایران فراسوی مرزها» و ۶ شخص حقیقی در دادگاه آمریکایی ثبت شد و در آن تأکید شد که فرمان ترامپ در اعمال محدودیت و ممنوعیت علیه شهروندان بیشتر مسلمان، «نقض قانون اساسی آمریکا است.» این ائتلاف نهادی غیرانتفاعی و غیر حزبی مستقر در نیویورک است که ماموریت خود را «تقویت اجتماع ایرانی‌های به دور از وطن» عنوان کرده است. شکایت دوم در نیویورک و توسط «مرکز برنان برای عدالت» دانشگاه نیویورک ثبت شد.

یک دادگاه استیناف ماه گذشته بعد از بررسی فرجام‌خواهی دولت ترامپ اعلام کرد تا زمان بررسی کامل درخواست تجدید نظر دولت آمریکا، رأی به اجرای محدود آن می‌دهد. دادگاه استیناف اعلام کرد اتباع ایران و ۵ کشور دیگر در صورت داشتن «ارتباطات اصیل» با افراد و سازمان‌هایی در آمریکا (شامل پیوند خانوادگی، داشتن تقاضای کار و ویزای دانشجویی) اجازه ورود به خاک آمریکا را خواهند داشت.

وکلای دولت ترامپ در پی حکم دادگاه استیناف از دیوان عالی خواسته بودند اجازه اجرای کامل این فرمان منع مهاجرت را صادر کند که دیوان عالی به نفع فرمان ترامپ رای داده و رسماً این ممنوعیت آغاز شد.

گفت و شنود

آر.پی.جی

گفت: وزیر خارجه انگلیس قبل از سفر به ایران گفته بود، نقش منطقه‌ای ایران، حقوق بشر، موشک‌های بالستیک و آزادی نازنین زاغری را در مذاکره با مقامات ایرانی دنبال می‌کند!

گفتم: عجب رویی دارد؟! باید درباره بدهی انگلیس مربوط به تانک‌های چیفتن، همکاری با صدام در جنگ تحمیلی، همراهی با آمریکا در تحریم‌های اقتصادی علیه کشورمان، حمایت آشکار از تروریست‌ها، اعزام جاسوس، شرکت در فتنه آمریکایی، انگلیسی، اسرائیلی ۸۸ و ده‌ها جنایت دیگری که انگلیس علیه کشورمان مرتکب شده پاسخگو باشد.

گفت: زاغری هم با مأموریت جاسوسی و آموزش جاسوسی به برخی از خبرنگاران به ایران آمده بود و در حالی که مقامات انگلیس می‌گفتند برای دیدار مادرش آمده، همین آقای جاسنون لو داده بود که مأموریت او چه بوده است.

گفتم: در جلسه خواستگاری، مادر داماد به مادر عروس گفت؛ کبریت دارید؟ داماد می‌خواد سیگار بکشه! مادر عروس گفت؛ مگه سیگاریه؟ مادر داماد گفت؛ نه! توی قمار باخته بود، ناراحت شده، پرسید مگه قمارباز هم هست؟ گفت؛ توی زندان یاد گرفته! پرسید، مگه خلاف‌کار هم بوده؟ ... و مادر عروس بلند شد بره، مادر داماد پرسید؛ می‌روید کبریت بیارید؟ گفت؛ میرم آر.پی.جی بیارم بزنم توی کمر این داماد!

از سوی کاخ سفید

افسر اطلاعاتی وفادار به ترامپ دستیار تیلرسون در امور ایران می‌شود

کاخ سفید قصد دارد افسر سابق سازمان اطلاعات ارتش آمریکا را به عنوان دستیار وزیر خارجه این کشور در امور ایران و عراق منصوب کند.

نشریه فارن پالیسی که این خبر را بامداد شنبه به نقل از سه مقام آمریکایی گزارش داده، نوشته است: ترامپ با این اقدام یکی از سیاستمداران وفادار به خودش را جایگزین یک دیپلمات حرفه‌ای خواهد کرد.

«اندرو ال پیک»، افسر سابق سازمان اطلاعات ارتش آمریکا و عضو تیم انتقال قدرت ترامپ را به عنوان معاون دستیار وزیر خارجه آمریکا در امور ایران و عراق منصوب خواهد شد.

«پیک»، به نوشته فارن‌پالیسی فاقد سوابق دیپلماتیک است و تخصصی در زمینه مسائل مربوط به ایران و عراق ندارد.

وی جایگزین «کریس بکمایر» خواهد شد که در حال حاضر معاون دستیار وزیر خارجه آمریکا در امور ایران است. انتظار می‌رود وزارت خارجه آمریکا روز دوشنبه جایگزین شدن او با «پیک» را اعلام کرد.

به گزارش فارس، یک مقام وزارت خارجه آمریکا گفته است: «پیک» به دلیل خالی بودن بسیاری از سمت‌ها در وزارت خارجه آمریکا که لازم است توسط رئیس‌جمهور تعیین شوند، نقش گسترده‌ای در تدوین سیاست‌های مربوط به خاورمیانه خواهد داشت.

برخورد با متخلفان مراسم روز دانشجو در دانشگاه آزاد نجف‌آباد

سرپرست واحد نجف‌آباد دانشگاه آزاد در نامه‌ای خطاب به رئیس‌هیئت موسس و امنای این دانشگاه درخصوص حواشی روز دانشجو توضیحاتی ارائه کرد.

به گزارش خبرگزاری میزان، در نامه مهران مجلسی خطاب به علی‌اکبرولایتی با ابراز تاسف از بروز برخی حواشی مراسم روز دانشجو در این واحد آمده است: «به نظر می‌رسد تصاویر مربوط به حواشی مراسم با غرض‌ورزی و برنامه‌ریزی از پیش تعیین شده منتشر شده است.»

در بخش دیگری از این نامه آمده است: «با پیگیری سریع و به موقع مسئولان دانشگاه، افراد خاطی شناسایی و اقدامات قانونی صورت پذیرفته است.»

در پی انتشار تصاویری از مراسم ۱۶ آذر و روز دانشجودر دانشگاه آزاد واحد نجف آباد در فضای مجازی، رئیس‌هیئت امنا و موسس دانشگاه آزاد اسلامی طی نامه‌ای به سرپرست این دانشگاه ضمن ابراز تأسف از این بخش از مراسم که دور از شان دانشجو، استاد و عرصه دانشگاه، در کمال ابتذال به وقوع پیوست بر ضرورت حفظ حرمت شهدا و خانواده‌های آنان و پاسداشت حریم دانشگاه، اساتید و دانشجو تاکید کرده بود.

خبر ویژه

خرازی تصریح کرد: در کشور دچار تناقضات بسیاری هستیم و اکنون از دانشجویان می‌خواهم که به هر کسی اعتماد نکنید و میدان ندهید زیرا هر کسی نمی‌تواند مروج آزادی و استقلال ملت ایران باشد.

تاخیر ۱۰ ماهه کمیسیون آموزش در انتشار گزارش پرونده تحصیلی حسین فریدون

«درحالی طبق آئین‌نامه داخلی مجلس، باید ظرف ۱۰ روز از پرونده تحصیلی حسین فریدون گزارش تهیه می‌شد اما به رغم گذشت ۱۰ ماه هنوز کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس گزارش را نهایی نکرده و درحال حاضر مقرر شد تا رئیس کمیسیون از وزارت علوم درباره ابهامات این پرونده استعلام کند.»

به گزارش الف؛ در آخرین صحبت‌های انجام شده درخصوص مدارک تحصیلی دکتری حسین فریدون در کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس، قرار شد تا محمدمهدی زاهدی رئیس کمیسیون درخصوص برخی ابهامات درمورد این پرونده از وزارت علوم استعلام کند این درحالی است که کمیته سه‌نفره تعیین شده ازسوی کمیسیون مذکور قبلا بررسی و استعلام‌هایی داشته است.

استفاده از رانت برای انتقال از دانشگاه گیلان به شهید بهشتی و پذیرش در مقطع دکتری در دانشگاه شهید بهشتی، غیرواقعی اعلام کردن معدل خود در هنگام پذیرش در مقطع دکتری از ۱۳ به ۱۷ و همچنین ارایه تعهد محضری که در مدت زمان تحصیل در دانشگاه در هیچ‌جا شاغل نباشد درعین اشتغال به کار وی در نهاد ریاست‌جمهوری از موارد بحث‌برانگیز و مبهم در پرونده تحصیلی حسین فریدون است.

هفته گفته به دنبال گفت‌وگوی زاهدی با قمی نماینده پاکدشت مقرر شد تا کمیسیون آموزش و تحقیقات درباره آنچه که ابهام دارد از وزارت علوم استعلام کند.

اسفند سال گذشته سیدمحمدجواد ابطحی نماینده خمینی‌شهر، محمد قمی نماینده پاکدشت و کارن خانلری نماینده ارامنه ازطرف کمیسیون ماموریت یافتند تا مدرک تحصیلی فریدون را بررسی و گزارشی در این زمینه تهیه و به کمیسیون ارائه کنند.

این سه نفر با هم به اختلاف خوردند. قمی و خانلری در یک سمت و ابطحی در سمت دیگر قرار گرفتند. در نهایت این سه نفر، ۲ گزارش متفاوت از موضوع تهیه کردند. ازنظر ابطحی تخلف حسین فریدون در مدرک تحصیلی محرز است اما ازنظر قمی و خانلری فریدون تخلفی نکرده است.

محمد قمی رئیس کمیته بررسی مدرک تحصیلی حسین فریدون در پایان فروردین ۹۶ اعلام کرد: کاری می‌کنیم که انتشار گزارش نهایی کمیته به پس از انتخابات ریاست‌جمهوری موکول شود زیرا بر روی رای روحانی تاثیر منفی دارد.

تهیه گزارش مذکور برای اعمال ماده ۲۳۶ آیین‌نامه داخلی مجلس است که باید ظرف حداکثر ده روز گزارش به کمیسیون ارائه می‌شد.

براساس این ماده هرگاه حداقل ده نفر از نمایندگان و یا هرکدام از کمیسیون‌ها، عدم رعایت شئونات و نقض یا استنکاف از اجرای قانون یا اجرای ناقص قانون توسط رئیس‌جمهور و یا وزیر و یا مسئولان دستگاه‌های زیرمجموعه آنان را اعلام نمایند، موضوع بلافاصله از طریق هیئت‌رئیسه جهت رسیدگی به کمیسیون ذی‌ربط ارجاع می‌گردد. کمیسیون حداکثر ظرف ده روز موضوع را رسیدگی و درصورت وارد بودن با اظهارنظر صریح، گزارش خود را ازطریق هیئت‌رئیسه به مجلس ارائه می‌دهد.

حسین فریدون روز شنبه ۲۴ تیرماه به دلیل پرونده فساد مالی بازداشت و روانه زندان گردید اما ۲ روز بعد آزاد شد.

نقش شرکت‌های کاغذی در فروش گاز مفت به شرکت نروژی

وبسایت الف از حضور شرکت‌های کاغذی در قرارداد فروش گاز به شرکت نروژی خبر داد.

الف به قلم یک کارشناس نفتی نوشت: در ایام انعقاد اولین قرارداد توسعه میادین نفت و گاز در چهارساله دولت یازدهم یا همان قرارداد مشهور توتال، وزیر محترم نفت در جلسه علنی مجلس در روز ۲۳ تیرماه برای محاسبه درآمد ایران از قرارداد توتال، قیمت هر متر مکعب گاز را ۲۰ سنت اعلام کرد و بدین‌گونه اولین قرارداد پرانتقاد و مخفیانه IPC را منعقد کرد. او همان روز هم، قیمت گاز تصفیه شده را به جای گاز خام حاصله از قرارداد توتال جا زد حال آنکه گاز تولیدی شرکت توتال گاز خام، ترش و تصفیه نشده است و برای تصفیه نیاز به پالایشگاهی دارد که در قرارداد توتال اساساً احداث نمی‌شود.

اما داستان عدد بازی با قیمت گاز به همین جا ختم نشد و مجدداً وزیر محترم نفت در جلسه مجلس شورای اسلامی، قیمت فروش گاز به ترکیه را به «شوهر دادن دختر به پسر پادشاه» تشبیه کرده و گفت چون مشتری برای گازمان نداریم باید بقیه «دخترها» را به قیمت ارزان شوهر دهیم وگرنه می‌ترشند. ظاهراً قیمت فروش گاز تصفیه شده (و البته نترشیده ایران) به شرکت نروژی و یک شرکت ایرانی پرحرف و حدیث بین ۸ تا ۱۲ سنت تعیین شده است. در این خصوص با مرور سه سؤال زیر به کلیدواژه این بحث یعنی مسیر دلالی- طراحی شده و حساب شده- خواهیم رسید؛ آیا فاجعه نیست وقتی در قرارداد توتال، خود ایران گاز را تحویل می‌گیرد- و به نوعی خریدار گاز است- قیمت گاز ۲۰ سنت توسط وزیر اعلام می‌شود ولی در قرارداد شرکت نروژی، چون ایران فروشنده گاز است قیمت گاز ۸ سنت می‌شود و باید آن را دختر ترشیده نامید؟

با فرض کاهش ۲۵۰ درصدی قیمت گاز از بیست سنت (اعلام تیر ماه وزیر محترم نفت برای توجیه اقتصادی قرارداد توتال) به هشت سنت، آیا هنوز هم وزیر محترم اعتقاد دارند که قراردادشان با توتال برای تولید گاز خام با قیمت هشت سنت توجیه اقتصادی دارد؟ و اگر پاسخ حضرتشان مثبت است (یعنی با وجود کاهش دو و نیم برابری درآمد ایران از قرارداد توتال، هنوز فاجعه IPC توتال برای ایران دارای توجیه اقتصادی است) باید بر بی‌دانشی تحلیلگران اقتصادی شرکت توتال اشک تاسف و تحسر ریخت. بیچاره توتال!

اگر اعلام تیر ماه وزیر محترم در مجلس برای قیمت بیست سنتی گاز در هر متر مکعب درست است، چرا گاز شیرین و تصفیه شده را با شیربهای دختران ترشیده به خانه بخت اروپاییانی می‌فرستند که تاج و درج پادشاهی‌شان بسی گرانبهاتر از ترکیه است؟ آیا اروپاییان پادشاه‌تر از ترکیه نیستند؟ اتفاقاً ترکیه وارد بازار ترانزیت گاز هم شده است و حتماً این کار برای او صرفه اقتصادی دارد آیا فکر می‌کنیم ترکیه گاز گران می‌خرد و به اروپا ارزانتر می‌فروشد چرا فکر می‌کنیم قرار است ترکیه به اروپا یارانه گازی بدهد. با این توصیفات چرا با حذف واسطه فروش گاز به اروپا، باید گاز را ارزانتر از ترکیه به نروژ فروخت.

و اما سؤال اساسی اینکه نقش شرکت پالایش گاز خارک در این قرارداد فروش گاز چیست؟ شاید ساده‌انگارانه بگوییم خوب است یک شرکت ایرانی در کنار یک شرکت نروژی این فعالیت را انجام داده و یک شرکت ایرانی ترازی بین‌المللی می‌یابد یا به اغراق و خیال خام بگوییم انتقال دانش و فن‌آوری می‌دهد؟ اساساً شرکت پالایش گاز خارک یک شرکت کاغذی بدون سابقه و پرسنل فنی است که مطابق با اسناد موجود اواخر سال ۹۳ ثبت شده است. وقتی در موضوع دقیق‌تر می‌شویم دلیل ورود شرکت پالایش گاز خارک به این قرارداد کشف می‌شود براساس اسناد مبادله شده مشاهده می‌کنیم که این شرکت تنها به یک دلیل شریک شرکت نروژی شده است: «این شرکت امکان تهیه ترتیباتی برای تخصیص گاز ورودی مورد نیاز به سیستم FLNG را دارد» و به همین یک دلیل واجد شرایط می‌شود تا ۵۰ درصد سهام شرکت کاغذی IFLNG را بخرد.

آیا شرکت پالایش گاز خارک، صاحب گاز ایران یا همان شرکت ملی نفت است که می‌تواند ترتیبات تخصیص گاز تولیدی پالایشگاهی در عسلویه را برای تولید LNG انجام دهد؟ مطابق اسناد، این شرکت یک شرکت غیردولتی از زیرمجموعه‌های صندوق بازنشستگی نفت است که بدون رعایت مقررات مناقصات و مزایدات، قادر است معاملات میلیارد دلاری را با تصمیم یک نفر (به صورت صوری در قالب هیئت مدیره‌ای که منتخب همان یک نفر- البته منصوب وزیر- است) در یک اتاق در بسته، انجام دهد و لذا ممکن است در کوتاه مدت شاهد این باشیم که سهام شرکت پالایش گاز خارک در این قرارداد به راحتی به اشخاص خاص منتقل می‌شود و به‌راحتی هرچه تمامتر این رانتی که در ابتدا به اسم نیمه دولتی بودن و با رابطه با وزارت نفت تصاحب شده است به دردانه‌هایی عزیز منتقل می‌شود.

آیا هنوز هم جناب وزیر از درستی مسیر انعقاد این قرارداد اطمینان دارند؟ آیا این پول نصیب دردانه‌هایی می‌شود که از هنر مدیریت، صنعت نفت و تجارت تنها یک چیز را دارند همان چیزی که در تفاهمنامه بین دو شرکت ایرانی و نروژی آمده است «امکان تهیه ترتیباتی برای تخصیص گاز و انعقاد قرارداد» یعنی هنر رانت و رابطه؟ به دست آوردن امتیاز بدون رقابت و من غیر حق.

از سینه‌چاکی برای اسرائیل تا «دنیا از آرمان فلسطین عقب نمی‌نشیند»!

صادق زیباکلام می‌گوید «دنیا از آرمان فلسطین عقب‌نشینی نمی‌کند».

وی در مصاحبه با روزنامه آرمان و درباره اقدام اخیر ترامپ گفته است: به نظر من این اقدام، چیزی را در مناقشه میان اعراب و اسرائیل تغییر نخواهد داد. چون آمریکا، بیت‌المقدس را به‌عنوان پایتخت اسرائیل به رسمیت شناخته است، این باعث نخواهد شد که آرمان فلسطینی‌ها ضعیف و یا کم‌رنگ شود؛ یا اینکه برخی از اعراب بگویند حال که ایالات متحده چنین کاری را انجام داد، ما مسئله ایجاد یک کشور فلسطینی را فراموش خواهیم کرد. باید بگویم پاسخ این فرضیه منفی است. آرمان تاریخی تشکیل یک کشور فلسطینی که با اکثریت قاطع آرا در سازمان ملل به تصویب رسیده بود، باید در سرحدات و ثغور مشخصی در اراضی اشغالی ایجاد می‌شد.

وی در عین حال می‌افزاید: اگر به تجربه هفتاد سال اخیر بازگردیم، خواهیم دید که تمامی راهکارهای انقلابی، تمامی انتفاضه‌ها و تمامی راهکارهایی که توسط حماس دنبال می‌شود؛ در حد مطلوبی نتوانسته به تمام آرمان فلسطینی‌ها نزدیک شود. ما در ۳ تا ۵ دهه گذشته شاهد بودیم که دولت‌هایی در اسرائیل (رژیم صهیونیستی) بر سر کار می‌آمدند که چپ سوسیال- دموکرات بودند. احزاب کارگر و لیبرال، فقط در ظاهر مدافع ایده تشکیل دولت فلسطین بودند. ما اکنون شاهدیم که انتخابات‌های ۳ دهه اخیر، دولت‌های حاکم بر رژیم اسرائیل، عموماً دست راستی‌تر، صهیونیست‌تر و افراطی‌تر بوده است.

یادآور می‌شود صادق زیباکلام پیش از این گفته بود «من اسرائیل را به رسمیت می‌شناسم».

درباره موضع زیباکلام چند نکته قابل تأمل است: اگر زیباکلام به درستی می‌گوید دنیا از آرمان فلسطین عقب‌نشینی نمی‌کند، پس به رسمیت شناختنِ اسرائیل به چه معناست؟

ثانیاً، مگر سازمان ملل و شورای امنیت آن است که حقی را به ملتی می‌دهد یا از آن بازپس می‌گیرد؟! مگر می‌شود خاک یک ملت را اشغال کرد و سپس گوشه‌ای از آن را به همان ملت صدقه داد و در همان محیط بسته و تحت محاصره هم سرکوب‌شان کرد. آیا مثلاً آقای زیباکلام می‌پذیرد کسی با زور و جبر خانه او را اشغال کند و سپس به وی وعده دهد که در صورت اعتراض نکردن، انباری یا گوشه‌ای از زیرزمین را به وی خواهد سپرد؟!

اگر آقای زیباکلام به درستی از «اراضی اشغالی» یاد می‌کند، پس دیگر به رسمیت شناختن اسرائیل معنا ندارد؛ مگر اینکه وی از شیوه استعمارگران انگلیسی و آمریکایی تقلید کند.

همچنین باید از وی پرسید تکلیف حق مقاومت مشروع در برابر اشغالگری که حتی در منشور سازمان ملل نیز آمده چه می‌شود؟! مگر یاسر عرفات سالها در پی سازش و صلح و توافق و دادن امتیازات روزافزون نبود؟ آن زمان که انتفاضه و حماس و جهاد اسلامی‌ای وجود نداشت؛ چرا مدام عرصه بر فل